



درس تفسیر آیت الله جوادی

۹۲/۰۱/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱) وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۲) وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۳)﴾

مدني بودن سوره احزاب و تفاوت عناصر محوري سور مكي و

مدني

سوره مبارکه «احزاب» در مدینه نازل شد سوره‌هایی که در مدینه نازل می‌شد بر خلاف سوره‌های مکی عناصر محوري خاص خود را داشت در سور مکی عناصر محوري بحث، اصول دین بود یعنی توحید، وحی، نبوت و خطوط کلی فقه و حقوق و اخلاق بود اما در مدینه عناصر محوري اش غیر از آن مسائل اعتقادي، مسائل حکومت و سیاست و مسائل نظامي و اقتصادي از يك سو و فقهی و حقوقي از سوي ديگر بود؛ تشكيل حکومت اسلامي، تأسيس نظام اسلامي، تأسيس يك ارتش اسلامي، تأسيس پایگاه اقتصاد اسلامي در سور مدني مطرح است.

علت مخاطب شدن رسول گرامي اسلام(صلی الله عليه و آله و

سلم) در طلیعه این سوره

در طلیعه این سوره با ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ وجود مبارك پیغمبر(صلی الله عليه و آله و سلم) را مخاطب قرار داد چون درصدد تأسيس حکومت و نظام اسلامي بود و فضاي مدینه هم فضاي آشوبي بود زیرا برخي از مسلمان‌ها نظیر سلمان و اباذر و اینها جزء اوحدي از

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

دروس سطوح عالی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین(ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه‌ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع‌ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس‌ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزارها

پخش زنده-کامپیوتر

پخش زنده-اندروید

آرشیو مدرسه فقهات

اسلام بودند برخی‌ها جزء مسلمان‌های ضعیف‌الایمان بودند
برخی‌ها جزء مُرجفون بودند و بعضی‌ها هم جزء منافقین. کفار
خارج مدینه هم با این منافقین از يك سو، با مُرجفین از سوي
دیگر بی‌ارتباط نبودند منافقین، بخشی از اینها همان یهودی‌های
بنی‌قریظه بود، بنی‌نظیر و بنی‌قینقاع بودند برخی‌ها هم جزء همین
داخلی مدینه بودند.

معنای مرجفون و علت یاد کردن از آنها در این سوره

مُرجفون افرادی بودند که یا به صورت خبرنگار بودند یا خبررسان
بودند اینها اراجیف پخش می‌کردند در همین سورهٔ مبارکهٔ
«احزاب» از مرجفون یاد شده است مرجف کسی است که
گزارش رَجْفَه‌ای دارد رجفه یعنی لرزه، خبری که صادق باشد صدق
باشد پایگاه دارد دیگر تکذیب نمی‌شود اما خبری که صدق نباشد
پایگاه نداشته باشد لرزان است این‌گونه از اخبار بی‌پایه و بی‌اساس
را می‌گویند رجفه‌دار که جمع اینها می‌شود اراجیف، مرجفون که
در مدینه بودند گزارشگران این‌گونه از اخبار لرزه‌دار بودند که
جامعه را ناآرام می‌کرد آن‌که این حرف را نزده بود مضطرب
می‌شود مبہوت می‌شود بہتان را بہتان می‌گویند برای اینکه این
کسی که کاری نکرده حرفی نزده چیزی به او نسبت می‌دهند این
مبہوت می‌شود از این جهت می‌شود بہتان. آن افراد بہتان‌خورده
امنیت روانی‌شان را از دست می‌دهند جامعه هم که می‌بیند پشت
سر هم کسی که خبری می‌دهد دیگری تکذیب می‌کند دیگر
نمی‌تواند به کسی اعتماد کند اینها کسانی‌اند که جزء مرجفون‌اند
از اینها در سورهٔ مبارکهٔ «احزاب» یاد شده است که اینها باید از
نقل اراجیف دست بردارند افراد ضعیف‌الایمان را تقویت کردند
که قوی‌الایمان بشوند

راز تکرار «یا ایها النبی» در این سوره

پنج بار در این سوره مبارکه «احزاب» ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ آمده برای اهمیت مسئله است گاهی برای مسائل نظامی است گاهی برای مسائل خانوادگی است که طلیعه مطلب‌های دیگر است يك مسائل خانوادگی ساده را ذات اقدس الهی به صورت ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ ذکر نمی‌کند این مسائل خانوادگی که بعدها می‌تواند منشأ بسیاری از خطرات و ناامنی باشد به این صورت یا مانند آن ذکر می‌کند وقتی به رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) می‌فرماید به همسران بگو [۱] یا مستقیم به همسران حضرت خطاب می‌کند ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾ [۲] ﴿قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ [۳] این نشان می‌دهد که از این بیت، خطری بالأخره دام‌گیر جامعه خواهد شد چه اینکه از همین بیت خطر جنگ جمل پیش آمده است فرمود زنان پیامبر! شما در خانه‌هایتان بنشینید بیرون نیایید امنیت جامعه را به هم نزنید خب این نشان می‌دهد که آینده خطرناکی این خانواده را تهدید می‌کرد پس ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ پنج بار تکرار شد، ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ﴾ ذکر شد، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ [۴] چند بار ذکر شد برای اینکه تأسیس حکومت، تشکیل حکومت کار آسانی نیست دشمن‌هایی که به نام کفار و منافقین‌اند هم در طلیعه این سوره مطرح شدند آنها از يك طرف صف کشیدند اینها هم از طرفی در داخل آنها را حمایت می‌کنند لذا با ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ این سوره شروع شد.

خطاب «یا ایها النبی» ناظر به مسائل حساس و مهم

مطلب دیگر این است که ما در ادبیات فارسی کسی را می‌خواهیم خطاب کنیم می‌گوییم آقای فلان کس اما در عربی گاهی می‌گویند «یا رجل» گاهی می‌گویند «یا ایها الرجل» آنجا که گفتند «یا رجل» خب يك ندای صرف است اما آنجا که گفتند «یا ایها الرجل» یا برای تنبّه اوست که از غفلت به در بیاید

یا برای تذکر اوست که این مطلب خیلی حساس و مهم است ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ ناظر به مسائل حساس و مهم ذکر می‌شود.

علت مخاطب نشدن وجود مبارک پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) به اسم

مطلب دیگر آن است که ذات اقدس الهی برای حرمت وجود مبارک پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و دعوت جامعه اسلامی به حفظ ادب در پیشگاه آن حضرت هرگز آن حضرت را به اسم صدا نکرده این جزء خصایص رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) است از آدم تا عیسی(علیهم السلام) خدا اینها را با اسم صدا می‌کند ﴿يَا آدَمُ﴾، [۵] ﴿يَا نُوحُ﴾، [۶] ﴿يَا إِبْرَاهِيمُ﴾، [۷] ﴿يَا مُوسَى﴾، [۸] ﴿يَا عِيسَى﴾ [۹] اینها با اسم مخاطب می‌شوند اما در هیچ جای قرآن از ذات اقدس الهی نقل نشده است که درباره وجود مبارک پیامبر اسم آن حضرت را ببرد همه‌اش ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾، ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾.

فهماندن سمت رسالت و نبوت با ذکر نام حضرت

آنجا که اسم حضرت را می‌برد نظیر آیه ۱۴۴ سوره مبارکه «آل عمران» که دارد: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ﴾ و همچنین در آیه پایانی سوره مبارکه «فتح» یعنی آیه ۲۹، برای آن است که به جامعه بفهماند که وجود مبارک آن حضرت سمتی دارد به نام رسالت و نبوت، شما از او به عنوان رسول الله، نبی الله یاد کنید نه به اسم او، او را صدا بنزید بنابراین خود ذات اقدس الهی هرگز درباره حضرت آن طوری که با انبیا سخن گفته است سخن نگفته که او را به اسم صدا بنزد بگوید «یا محمد»، همه‌اش ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾، ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾ است این دو جا که در سوره مبارکه «آل عمران» و سوره «فتح» نام حضرت را می‌برد برای اینکه به مردم بفهماند که او رسول خداست و از آن حضرت به عنوان رسالت یاد کنید.

مخاطب قرار دادن حضرت فقط با تعبیرات مؤدبانه

در بخش دیگری هم فرمود وجود مبارك حضرت پدر کسی نیست ولی خاتم النبیین است [۱۰] این اِجلال و تکریم نشان می‌دهد که ما هم موظفیم درباره حضرت با این تعبیرات مؤدبانه سخن بگوییم ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾، ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ﴾ و مانند آن.

امر «اتَّقِ اللَّهَ» دلالت بر رعایت مرحله عالیّه تقوا

اینکه فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ﴾ با اینکه خود حضرت عالی‌ترین درجه تقوا را داشت یا برای دعوت به ادامه تقواست کما ذهب إليه بعض [۱۱] یا نه، رعایت آن مرحله عالیّه تقواست کما ذهب إليه آخرون یعنی تو يك کار مهمی داری این کار مهم با تقوای عادی حل نمی‌شود این کار مهم با آن قلّه تقوا حل می‌شود [۱۲] برای اینکه جنگ در پیش داری جنگ‌هایی علیه تو تحمیل می‌کنند عده‌ای از اصحاب تو را شهید می‌کنند تو هم ناچاری دفاع بکنی سخن از خونریزی است سخن از اسیر دادن است سخن از اسیر گرفتن است این کارهای مهم با تقوای عادی حل نمی‌شود با قلّه تقوا باید این مشکلات را حل کنی عزیزترین بستگان را شهید می‌کنند و عده‌ای را هم اسیر می‌کنند شما هم از آنها می‌گشی از آنها اسیر می‌گیری باید مواظب باشی.

لازمه اداره جامعه جهانی، داشتن مرحله عالیّه تقوا و استدلال

مطلب دیگر این است که شما دینی دارید که هم برای آرامش داخله حجاز خوب است هم برای منطقه خوب است که با نصارای نجران و امثال نجران سخن می‌گویی، آنها را به مباهله دعوت می‌کنی هم يك دین جهانی داری که در آیه هشت سوره مبارکه «ممتحنه» است که با کفار زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشی آن کفاری که با شما کاری ندارند نه در تحریم نه در فشار اقتصادی نه در تبعید هیچ سهمی ندارند يك زندگی معتدلی با شما داشتند ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ﴾ با اینها

با مدارا رفتار کنید بلکه عادلانه رفتار کنید ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ که ذیل این آیه است همین آیه هم مقدمه قانون اساسی ما هم هست. کفاری که با ما بد نکردند با ما بد نمی کنند کاری هم با ما ندارند خب ما یک رابطه عادلانه با آنها داریم. این پیامبر اگر بخواهد با روش عادی با جامعه برخورد کند کار سختی است این باید قلّه تقوا را داشته باشد. می بینید وجود مبارک ابراهیم (سلام الله علیه) از یک طرف، اسماعیل (سلام الله علیه) از طرف دیگر این دو پیامبر بزرگوار کعبه را ساختند چه زمینی شما بالاتر از کعبه دارید مهبط وحی الهی است مهبط فرشته هاست این شده بت کده همه بت ها را آوردند آنجا گذاشتند یک بار وجود مبارک پیامبر دهن باز نکرد که به اینها فحش بدهد به این بت ها بد بگوید فرمود از این بت ها کاری ساخته نیست خب شما اگر بخواهید آرام زندگی کنید از آن طرف تکفیری نداشته باشید از این طرف کشتار بی رحمانه در میانمار و بنگلادش و پاکستان و افغانستان در شرق ما، عراق در غرب ما نداشته باشید باید این راه پیامبر را حفظ کنید انسان جای برهان دارد جای استدلال دارد جای اقامه برهان است یک بار نشد که وجود مبارک حضرت به این بت ها فحش بدهد با اینکه خب چه جایی مقدس تر از کعبه دارید هم قبله مسلمین است مطاف مسلمان هاست هم دو پیغمبر آن را ساختند اینجا شده بت کده، حضرت فرمود این بت های کاری از آنها ساخته نیست اینها اهل سمع و بصر و اینها نیستند اینها مشکل خودشان را نمی توانند حل کنند ﴿وَإِنْ يَسْأَلُهُمُ الدُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَقْدُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ﴾ [۱۳] پیامبر! با این تقوا جامعه را اداره کن فحش بدهی خب فحش می شنوی این مشکل را حل نمی کند تکفیر بکنی تکفیر دیگری در راه است غیر از خونریزی کار دیگر نیست بالصراحه در سوره مبارکه «انعام» فرمود: ﴿لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾. [۱۴]

وظیفه فقها در برقراري امنیت و حفظ دماء مسلمین

ما کاري داریم کار فقها و بزرگان فقهی ماست که این نصوص و ادله را جمع‌آوری کنند و جمع‌بندی کنند آنها راه اجتهادی خودشان را آشنا هستند وظیفه خودشان را انجام می‌دهند و در درس‌ها می‌گویند یعنی نص و ظاهر حکمش چیست ظاهر و اظهر حکمش چیست عام و خاص حکمش چیست مطلق و مقید حکمش چیست اصل و اماره حکمش چیست همه اینها را دارند درس می‌گویند اما کاري که در انجام وظایف به عهده ماست. کسانی که به عنوان مجمع جهانی اهل بیت کار می‌کنند کسانی که در دارالتقریب کار می‌کنند کسانی که در مسائل امنیتی کار می‌کنند آنها باید بین تولی و تبری که جزء ارکان رسمی دین ماست و برقراري امنیت و حفظ دماء مسلمین که آن هم جزء ارکان رسمی ماست يك جمع اجتماعی بکنند يك جمع سیاسی بکنند يك جمع اجرایی بکنند این کار فقهای ما تأمین شده است این کارهایی که به دست «من بیده الامور» هست آنها هم باید عملیاتی شود از این طرف تکفیر از آن طرف تکفیر، از این طرف کشتار از آن طرف کشتار، دشمن هم که غیر از این نمی‌خواهد.

چگونگی تشکیل حکومت اسلامی

لذا به وجود مبارك پیامبر فرمود مواظب باش از طرفی کفار و منافقین در کمین‌اند از طرفی مرجفون در داخل رجفه و اراجیف پخش می‌کنند تو باید آن قله تقوا را داشته باشی تا بتوانی حکومت اسلامی تشکیل بدهی ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ﴾ (يك) ﴿وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ﴾ يك وقت است کسی پیشنهاد می‌دهد خب پیشنهاد، طرح است و انسان مطالعه می‌کند یا قبول یا نکول اما کسی درصدد دسیسه است که آمرانه حکم بکند هر کسی بخواهد به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمرانه حکم بکند ولو در لسان دوستی کافر است برای اینکه پیغمبر که دیگر

نمی‌تواند مأمور این آقا باشد تابع حرف این آقا باشد؛ یا کافر است یا منافق، اگر بخواهد چیزی را بر پیغمبر تحمیل بکند يك وقت است می‌گوید من عرضم این است نظر حضرتعالی هر چه هست، خب این مشورت است حضرت یا می‌پذیرد یا نمی‌پذیرد اما آن کسی که آمرانه دسیسه دارد و توقع دارد که وجود مبارك پیغمبر از او اطاعت کند این کافر است چه بفهمد یا نفهمد برای اینکه معنایش این است که رسول الله باید از او اطاعت کند این است که این ﴿الْكَافِرِينَ﴾ و ﴿الْمُنَافِقِينَ﴾ یا ناظر است به کفار مکه و منافقین مدینه یا نه در داخل مدینه اگر کسی آمرانه مطلبی را به حضرت تحمیل می‌کند خب همین کفر است یعنی توقع داشته باشد به حضرت بگوید من حرف شما را قبول ندارم تو باید حرف ما را قبول داشته باشی این برگشتش به کفر است چه بداند چه نداند لذا فرمود آنها که پیشنهاد می‌دهند می‌گویند ما عرضمان این است خب حضرت یا قبول یا نکول اما کسی توقع داشته باشد که حرف خودش را بر حضرت تحمیل کند و حضرت از این اطاعت بکند خب این کفر است فرمود: ﴿وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾.

اقسام منافقین در داخل مدینه

در داخل مدینه همین سه گروه بودند و گروه‌های دیگری هم که ناشناخته بودند و بعضی هم شناخته‌شده بودند همان یهودی‌های بنی‌نظیر و بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع گروهی از اینها اسلام آوردند نه همه اینها و منافقانه زندگی می‌کردند در چنین فضایی فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ﴾ معلوم می‌شود این ﴿اتَّقِ اللَّهَ﴾ غیر از ﴿اتَّقِ اللَّهَ﴾ [۱۵] است که ذات اقدس الهی به افراد عادی مثل ما می‌فرماید ﴿اتَّقِ اللَّهَ﴾ گرچه هر دستوری که به آن حضرت می‌دهد برای ما هم الگوست ﴿لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [۱۶] اما آنکه مخصوص حضرت است آن قله‌عالیه است.

علت عدم اطاعت از کافرین

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ چرا؟ براي اینکه اگر علم بخواهي نزد خداست، اداره جهان بر اساس مصلحت و حکمت بخواهي نزد خداست ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ او هم که مرتب دارد وحی می دهد ﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ﴾ او که منبع علم است با تو ارتباط دارد او که منبع حکمت است با تو ارتباط دارد تو کمبودی نداری چه چیزی می خواهی که از جای دیگر بخواهی بگیری ﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ مِنْ رَبِّكَ﴾.

علم خداوند بر اعمال بندگان

بعد هم مواظب باش هر کاری کردی تو و امتت، هر فکری اندیشه ای انگیزه ای داشته باشی خدا باخبر است و در محکمه عدل باید پاسخ بدهید ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾.

بررسی «کان» نزد ادیب و حکیم

مستحضرید ﴿كَانَ﴾ که در قرآن و روایات به ذات اقدس الهی اسناد داده شد این منسلخ از زمان است اگر به يك ادیب خبر بدهید می گوید این «کان» از افعال ناقصه است و اسم و خبر دارد اما وقتی به حکیم بدهید می گوید این «کان» حرف است نه فعل، این طور دیگر معنا می کند در کتاب های ادبی فقط این را به ما می گویند که اگر محمول برای موضوع باشد این اسناد، حقیقت است محمول برای موضوع نباشد این اسناد، مجاز است این در ادبیات است در معانی و بیان و مطّول و امثال ذلك هست اما کدام محمول برای کدام موضوع است این برای ادیب و ادبیات نیست این را باید برهان آن فن تشخیص بدهد شما غالباً وقتی به کسی بگویید «الانسان موجود» را ترکیب بکن می گوید «الانسان» مبتدا «موجود» خبر اما وقتی به حکیم بگویید «الانسان موجود» را ترکیب بکن می گوید «الانسان» خبر مقدم «موجود» مبتدای مؤخر

برای اینکه هستی است که به تعین انسانیت در می آید نه انسان است که موجود بشود این کار ادیب نیست که بگوید چه چیزی مبتداست چه چیزی خبر، ادیب فقط باید بگوید آنکه یوضع اولاً می شود مبتدا آنکه «ثُمَّ يُحْمَلُ عَلَيْهِ» می شود خبر اما چه چیزی مبتداست چه چیزی خبر است این را صاحب آن رشته ها باید بگویند این «کان» را وقتی به ادیب بدهید می گوید فعل ماضی است و برای گذشته است ولی به حکیم وقتی بدهی می گوید این «کان» وقتی به ذات اقدس الهی اسناد پیدا کرد گفتیم ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً حَكِيماً﴾، این منسلخ از زمان است این دیگر فعل ماضی نیست که بگویید خدا . معاذ الله . سابقاً این طور بوده مثلاً حال و آینده این طور نیست.

وجوب اطاعت از پیامبر شاهد و مبشر و منذر

به هر تقدیر اینکه فرمود خدای سبحان علیم حکیم است او علم محض است حکمت محض است از چه کسی می خواهی اطاعت کنی و این علیم محض و حکیم محض هم که مرتب با تو رابطه دارد ﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ﴾ چنین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در همین سوره مبارکه «احزاب» با آن عظمت و جلال معرفی کرده آیه ۴۵ و ۴۶ همین سوره «احزاب» است که فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً﴾ و دَاعِياً إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيراً ﴿ تو چراغی تو نوری تو مصباحی دیگران باید از تو استفاده کنند به دنبال چه چیزی می گردند نه توقع داشته باشند که تو حرف اینها را گوش بدهی نه خود، رأی در قبال رأی شما داشته باشند برای اینکه تو چراغی دیگری بی نور باید از نور تو استفاده کنند در آن آیه ۴۵ و ۴۶ حضرت را به این جلال و شکوه رسانده ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ هم هست برای اینکه مسئله تأسیسات ارتش و نظامی و جنگ خبر مهمی است.

تبیین عناصر محوری در ابتدای سوره

لذا در این سوره این عناصر محوري كاملاً مطرح است ﴿بَا أَيُّهَا
النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ چرا، چرا ﴿اتَّقِ اللَّهَ﴾
برای اینکه او منشأ علم و حکمت است آن مثبت، چرا ﴿لَا تُطِعِ
الْكَافِرِينَ﴾ برای اینکه خدا منشأ علم و حکمت است دیگران
بی‌کاره، هم آن امر معلل است به علم و حکمت خدا، هم این
نهی معلل است به علم و حکمت خدای سبحان.

چگونگی اتباع حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) از
خداوند در شرایط حساس

﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ این اتباع خب مسائل عادی
تبعیتش آسان است اما آن مسائل مهم و حساس مثلاً جنگ بدر
که اولین جنگ است در مدینه اتفاق افتاده می‌بینید به هیچ وجه
این جنگ راه نظامی نداشت نه عده نه عده برای اینکه آنها چند
برابر مسلمان‌ها بودند مسلمان‌ها تقریباً يك سوم آنها بودند یا
کمتر، آنها با شتر و مرکب‌های تندرو آمدند اینها پیاده بودند آنها
با شمشیر آمدند اینها با چوب و سنگ رفتند مگر مسلمان‌ها
چندتا شمشیر داشتند وجود مبارك حضرت امیر(سلام الله علیه)
دارد که در ليله بدر که اولین جنگ رسمی مسلمان‌ها علیه کفار
یعنی دفاع رسمی بود. خب همه می‌ترسیدند که ما با چه وجهی با
اینها بجنگیم چه چیزی داریم ما به سربازانمان خرما می‌دهیم آنها
به سربازانشان کباب شتر و اینها می‌دهند ما نیرو نداریم در برابر
آنها بجنگیم آخر چوب‌دستی با شمشیر چه می‌کند پیاده با سواره
چه می‌کند. وجود مبارك پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در
آن شب تا صبح زیر يك درخت مشغول مناجات بود [۱۷] گویا
فردا اصلاً جنگ نبود این را امیرالمؤمنین نقل می‌کند از نزدیک
مواظب حضرت و کارهایش بود گویا اصلاً ما شب عملیاتی نداریم
فردا هم گویا اصلاً جنگ نیست آرام آرام با خدا مناجات می‌کرد
خب این قلّه تقواست شما هیچ توجیه نظامی برای این کار ندارید

فرمود این کار را بکن ﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحِي إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ﴿این معنی توکل است چون او که گفته از کشورت دفاع بکن همان او دارد حمایت می کند مگر ممکن است کسی در برابر ذات اقدس الهی و دین الهی بتواند قیام کند.

اعضا و جوارح و جوانح، لشکریان خداوند

بارها این بیان نورانی حضرت امیر(سلام الله علیه) را ملاحظه فرمودید که اگر کسی . خدای ناکرده . در برابر خدا قیام کرد لازم نیست خدا از جای دیگر لشکرکشی بکند اینکه به رباخوار فرمود: ﴿فَأُذِنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ﴾ یا در بیان نورانی حضرت امیر در عهدنامه مالک که اگر کسی مظلومی را از حقش محروم بکند «كَانَ لِلَّهِ حَرْبًا» [۱۸] این جنگ با خداست خب اگر کسی معصیت کرده در برابر خدا ایستاد محارب الهی است نه محارب آن حدودی که ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ﴾ [۱۹] چون هر معصیتی بالأخره حرب است اختصاصی به مسئله ربا ندارد حالا ربا يك معصیت کبیره است اگر خدا خواست این زیدی که در برابر فرمان او می ایستد را بگیرد لازم نیست از جای دیگر لشکرکشی بکند چون خود اعضا و جوارح و جوانح زید سربازان الهی اند فرمود: «جَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ» انسان حرفی می زند رسوا می شود امضایی می کند رسوا می شود جایی می رود رسوا می شود کاری می کند رسوا می شود لازم نیست که جای دیگر خدا سربازکشی کند او را بگیرد این بیان نورانی حضرت امیر این است که اگر خدا . خدای ناکرده . خواست کسی را بگیرد با زبان او می گیرد با دست او می گیرد با پای او می گیرد «جَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ» [۲۰] خب اگر کسی این مطلب را باور کرد باید به او تکیه کند فرمود: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ آن مقداری که از تو برمی آید به دوستانت به زیردستانت به زیرمجموعه ات بگو آن مقداری که از

شما برمی آید در راه صحیح قدم بردارید بقیه را به ما بسپارید همین مقدار هم که شما انجام می دهید باز به عنایت الهی است در مدینه همین طور هم شد شما دیدید هیچ، بر جهان پیروز شد طولی نکشید که مدینه آنها تسلیم شدند حجاز تسلیم شدند اطراف حجاز تسلیم شدند و نامه مبارک حضرت به دو امپراطوری شرق و غرب رسید هر دو را حضرت فرمود یا می آید یا بیاورمتان!

راهکار تشکیل حکومت اسلامی

پس معلوم می شود اگر کسی بخواهد يك حکومت اسلامی يك نظام اسلامی تشکیل بدهد راهکارش مشخص است نه بیراهه برود نه راه کسی را ببندد ادب اجتماعی را، ادب انسانی را، ادب مردمی را حفظ بکند با بت پرست ها از راه برهان در بیفتد به بت فحش دادن مشکل را حل نمی کند شما در هیچ جای آیات قرآن ندیدید که وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به این بت ها بد بگوید آنها که مطاف مسلمان ها را، قبله مسلمین را آوردند بت کرده کردند به اینها فحش بدهد خب این راه برقراری امنیت است این داشتن يك حکومت است ما که در عالم تنها زندگی نمی کنیم که دورمان را ببندیم ما يك مشکلات و مسائل ملی و محلی داریم این را باید عاقلانه حل کنیم يك مشکلات منطقه ای داریم باید عاقلانه حل کنیم يك مشکلات بین المللی داریم ماییم و انسان های ملحد ماییم و انسان های مشرک در بخش سوم می فرماید این را هم باید حل کنیم.

برقراری امنیت ملی با تقسیم کار

پرسش: تولی و تبری...؟

پاسخ: تولی و تبری باید جمع بشود با مسئله امنیت، این کار يك کار سیاسی است يك کار امنیتی است هم دارالتقریب بین مذاهب باید حل کند هم مجمع علمای شیعه باید حل کنند هم مسئولین امنیتی باید حل کنند کارهای فقهی را مراجع و فقها و اصولیین

دارند حل می‌کنند آن کار این است که بین ادله چگونه جمع بکنیم نص و ظاهر داریم ظاهر و اظهر داریم عام و خاص داریم مطلق و مقید داریم محکم و متشابه داریم اصل و اماره داریم این کار فقه است اما اجرای تولی و تبری از یک سو و برقراری امنیت و حفظ دماء مسلمین از سوی دیگر این هم کمتر از جریان انرژی هسته‌ای نیست شما پشت سر هم می‌شنوید تکفیری‌ها آن همه کشتند خب همین آسان است؟! از این طرف ما مرتب سب و لعن از آن طرف مرتب کشتار این یک راه حل دارد یا ندارد اگر وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برهان اقامه کرده فرمود از این چوب‌ها کاری ساخته نیست از این بت‌ها کاری ساخته نیست اما هیچ‌جا فحش نگفته آیا این راه دارد یا ما هر روز باید بنشینیم غصه بخوریم میانمار این قدر کشتند بنگلادش و پاکستان و اینها این قدر کشتند عراق آن قدر کشتند این یک راه حل دارد یا ندارد اگر این دین آمده برای برقراری امنیت ملی از یک سو، منطقه‌ای از سوی وسط، بین‌المللی از سوی سوم یک راه حل دارد تنها راه حل فقهی و اصولی نیست که حوزه علمیه قم حل بکند راه امنیتی است راه مشورتی است راه مذاکره‌ای است دشمن هم که در کمین است دشمن هم همین را می‌خواهد چیز دیگر که نمی‌خواهد ما فقط ناچاریم قدری گریه بکنیم قدری افسوس بخوریم یا مجلس ترحیم بگیریم کار آسانی نیست، فلان تکفیری این قدر شیعه‌ها را کشتند، همین؟! ناله کردن و افسوس خوردن و مجلس ترحیم گرفتن فقط کار ما شد این آیا راه حل دارد یا راه حل ندارد یقیناً راه حل دارد.

چگونگی توجیه «لعن» خداوند در کلیات و تطبیق آن در جزئیات

پرسش: بین مسئله سب با مسئله لعن در آیات قرآن تفاوت هست؟

پاسخ: بله، لعن، کلیات است ذات اقدس الهی فرمود: ﴿عَلَيْهِمْ
لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ [۲۱] به طور کلی آن
کلیات را هم آنها قبول دارند هم ما قبول داریم این کلیات را آنها
هم می خوانند ما هم می خوانیم اما تطبیقش بر جزئیات [مورد
اختلاف است] شما می بینید يك وقت است کسی می خواهد
کشور را اداره کند سابقاً هم همین طور بود دو کشور با هم در
حال جنگ بودند این دو کشور که در حال جنگ بودند اگر
ولی عهد کشوری می مُرد اینها يك هفته آتش بس می کردند بعد هم
می جنگیدند ما وقتی ولی عهد عربستان می میرد می رویم در کنار
سفارتش شیرینی پخش می کنیم؟! آخر این نه واجب است نه
مستحب آن وقت دلمان می خواهد وقتی حجاج و معتمرین ما
رفتند در عربستان برای اینها فرش قرمز پهن کنند اینکه نیست
خب مگر این کار واجب است خب این راه جهانی است آنها با
هم می جنگیدند وقتی می فهمیدند ولی عهد کشور مقابل مُرد يك
هفته آتش بس بود بعد هم می جنگیدند اما ما اینجا ولی عهد می میرد
می رویم جلوی سفارتش شیرینی پخش می کنیم جلوی این کارها را
می شود گرفت اینها نه واجب است نه مستحب است نه معقول
است نه منقول است چه داعی داریم آخر کاری بکنیم بعد دلمان
بخواد وقتی حاجیان و معمران ما رفتند فرودگاه عربستان، به آنها
احترام بشود این همه جانبه است غرض این است که کارهایی که
حوزه های علمیه دارد می کند کارهای فقهی و علمی است اینها سر
جایشان محفوظ است اما اگر بخواد اجرایی بشود همه باید
دست به هم بدهند یعنی هم مردم ملت ها با هم، هم مجمع جهانی
اهل بیت هم تقریب بین مذاهب هم مسئولین امنیتی همان کاری
که با انرژی هسته ای می کنند درباره اینها هم باید بکنند ما چقدر
شاهد باشیم فلان جا شیعه را کشتند فلان جا شیعه را کشتند،
پس فردا هم فاطمیه دوم است خب خون به جگر ماست می شنویم

فلان جا يك عده از شيعيان را شهيد كردند خب اين كه نمي شود
تا چه وقت آدم اين دردها را تحمل كند به هر تقدير راه دارد.
﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلِيمًا حَكِيمًا* وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا
تَعْمَلُونَ خَبِيرًا* وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾.
«و الحمد لله رب العالمين»

-
- [۱] . سورة احزاب، آيات ۲۸ و ۵۹.
- [۲] . سورة احزاب، آیه ۳۲.
- [۳] . سورة احزاب، آیه ۳۳.
- [۴] . سورة احزاب، آيات ۹، ۴۱، ۴۹، ۵۳، ۶۹، ۶۵ و ۷۰.
- [۵] . سورة اعراف، آیه ۱۹.
- [۶] . سورة هود، آیه ۳۲.
- [۷] . سورة هود، آیه ۷۶.
- [۸] . سورة آل عمران، آیه ۵۵.
- [۹] . سورة مائده، آیه ۱۱۰.
- [۱۰] . سورة احزاب، آیه ۴۰.
- [۱۱] . التفسير الكبير، ج ۲۵، ص ۱۵۳.
- [۱۲] . التفسير الكبير، ج ۲۵، ص ۱۵۳.
- [۱۳] . سورة حج، آیه ۷۳.
- [۱۴] . سورة انعام، آیه ۱۰۸.
- [۱۵] . سورة بقره، آیه ۲۰۶؛ سورة احزاب، آیه ۳۷.
- [۱۶] . سورة احزاب، آیه ۲۱.
- [۱۷] . الارشاد (شيخ مفيد)، ج ۱، ص ۷۳.
- [۱۸] . نهج البلاغه، نامه ۵۳.

[۱۹] . سورة مائدة، آیه ۳۳ .

[۲۰] . نهج البلاغة، خطبه ۱۹۹ .

[۲۱] . سورة آل عمران، آیه ۸۷ .



www.baharsound.ir, www.wikifeqh.ir, lib.eshia.ir